



این شماره تقدیم می‌شود به

شهید سردار سپهبد
محمد باقریویژه نامه جنگ رمضان | شماره ۳۳
چهارشنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۵جبهه
انرژیکاری از اندیشکده نفت و انرژی
و گروه تحلیلی پتروپال

سرمقاله

از آسیب تا جبران: چارچوب حقوقی و اقتصادی خسارات تأسیسات پتروشیمی



۱. هزینه تعمیر، بازسازی یا جایگزینی تأسیسات آسیب دیده؛
۲. سود یا درآمد از دست رفته ناشی از توقف یا کاهش تولید؛
۳. در موارد مقتضی، خسارات اقتصادی و زیست محیطی غیرمستقیم که رابطه سببیت کافی با واقعه زیان‌بار داشته باشند.

برای ارزیابی‌های صناعی پیچیده‌ای مانند مجتمع‌های پتروشیمی، دو معیار اصلی مطرح است: «ارزش بازار» و «هزینه جایگزینی». از آنجاکه برای این‌گونه تأسیسات معمولاً بازار فعال و شفاف معاملاتی وجود ندارد و ارزش آن‌ها بیشتر در ظرفیت تولیدی و کارکرد اقتصادی نهفته است تا قابلیت خرید و فروش یک‌جای آن‌ها، در عمل معیار «هزینه جایگزینی» ابزار مناسب‌تری برای برآورد خسارت تلقی می‌شود. این رویکرد در رویه برخی مراجع بین‌المللی نیز تأیید شده است؛ از جمله در رویه کمیسیون غرامت سازمان ملل متحد پس از جنگ خلیج فارس که در ارزیابی خسارات وارد بر زیرساخت‌های نفتی کویت، هزینه‌های واقعی بازسازی و احیای ظرفیت تولیدی را مبنای محاسبه قرار داد.

در دعاوی سرمایه‌گذاری نیز، هنگامی که دارایی صنعتی فاقد بازار فعال بوده یا قیمت بازار آن قابل اتکا نبوده، هیئت‌های داوری به شاخص‌هایی مانند هزینه سرمایه‌گذاری و هزینه احداث تأسیسات مشابه استناد کرده‌اند. برای نمونه، در پرونده Amoco International Finance Corp. v. Iran، داوری ایران-ایالات متحده و همچنین در رأی Santa Elena v. Costa Rica (ICSID, ۲۰۰۰)، بر ضرورت انعکاس «ارزش واقعی دارایی» در ارزیابی خسارت و امکان توسل به روش هزینه جایگزینی در غیاب ارزش بازار قابل اعتماد تأکید شده است.

در مورد ایران، ملاحظات تحریم و محدودیت‌های دسترسی به تجهیزات، فناوری و خدمات فنی بین‌المللی، لایه‌ای اضافی بر محاسبه خسارت می‌افزاید. هزینه عملیاتی نگهداشت و استمرار تولید در چنین محیطی، به واسطه تأمین غیرمستقیم تجهیزات، هزینه‌های بالاتر حمل‌ونقل و لجستیک، دشواری در دریافت خدمات مهندسی و ضرورت سرمایه‌گذاری در بومی‌سازی، بالاتر از شرایط عادی بازار جهانی است. بنابراین، در ارزیابی خسارات ناشی از آسیب به تأسیسات پتروشیمی در ایران، «هزینه جایگزینی واقعی» باید این شرایط خاص و هزینه‌های اضافی را منعکس کند تا جبران خسارت با منطق «بازگرداندن وضعیت پیشین» وفق داشته باشد و صرفاً به یک برآورد انتزاعی و مبتنی بر قیمت‌های جهانی بسنده نشود. ♦

♦ صنایع پتروشیمی از مهم‌ترین زیرساخت‌های حیاتی اقتصادی به‌شمار می‌آیند؛ زیرا ارزش دارایی‌های ثابت، پیوند عمیق با زنجیره تأمین صنعتی و سهم معنادار در صادرات غیرنفتی و درآمدهای ارزی دارند. در ساختار اقتصاد کشورهای دارای منابع هیدروکربوری، از جمله ایران، نقش این صنعت فراتر از یک واحد تولیدی منفرد است و هرگونه آسیب به تأسیسات پتروشیمی، آثار چندسطحی بر تولید، تجارت خارجی و ثبات اقتصادی برجا می‌گذارد.

از منظر اقتصادی، خسارات ناشی از آسیب به تأسیسات پتروشیمی را می‌توان در سه سطح اصلی دسته‌بندی کرد. در سطح نخست، خسارات فیزیکی مستقیم به دارایی‌های سرمایه‌ای مجتمع‌ها قرار می‌گیرد؛ شامل واحدهای فرآیندی، مخازن ذخیره، خطوط و شبکه‌های انتقال، تجهیزات فرآیندی و سامانه‌های کنترل و ایمنی. این بخش، معمولاً بزرگ‌ترین سهم ریالی را دارد و ارزیابی آن محتاج برآورد دقیق هزینه‌های تعمیر، بازسازی یا احداث مجدد با ظرفیت و کارکرد مشابه است.

سطح دوم، خسارات ناشی از توقف یا کاهش تولید است. در این سطح، آن بخش از سود یا درآمدی که در نتیجه خروج بخشی از ظرفیت تولیدی از مدار، از دست می‌رود، مورد محاسبه قرار می‌گیرد. در رویه دعاوی بین‌المللی، این دسته از خسارات تحت عنوان‌هایی مانند «سود از دست رفته» (Lost Profits) یا «از دست رفتن تولید» (Loss of Production) شناخته می‌شود و برای آن، معمولاً دوره زمانی مشخص، سناریوی تولید در حالت عادی و قیمت‌های قابل اتکای بازار مبنا قرار می‌گیرد.

سطح سوم به آثار زنجیره‌ای و غیرمستقیم مربوط است؛ از جمله اختلال در تأمین خوراک و مواد اولیه صنایع پایین‌دستی، افزایش هزینه تولید در بخش‌های وابسته، کاهش سطح فعالیت صنعتی در منطقه و در مواردی، بروز خسارات زیست‌محیطی ناشی از حوادث، نشت مواد یا آتش‌سوزی. در ادبیات اقتصادی، این پیامدها ذیل «اثر تکاثری» تحلیل می‌شوند و می‌توانند دامنه خسارت واقعی را فراتر از مرزهای خود مجتمع گسترش دهند. در حوزه حقوق بین‌الملل مسئولیت، مبنای جبران خسارت «اصل جبران کامل» (Full Reparation) است که در ماده ۳۱ «طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها» مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل (۲۰۰۱) تصریح شده است. مطابق این اصل، جبران خسارت باید تا حد امکان وضعیت زیان‌دیده را به حالت پیش از وقوع عمل متخلفانه بازگرداند؛ نه کمتر از آن و نه فراتر از آن. در چارچوب این اصل، خسارات قابل مطالبه در ارتباط با تأسیسات پتروشیمی، دست‌کم سه دسته را دربر می‌گیرد:

اقتصاد سیاسی انرژی

در مرکز چرخه پترو دلار، بازار اوراق خزانه ایالات متحده قرار دارد. این اوراق در واقع ابزار بدهی دولت آمریکا هستند که برای تأمین مالی هزینه‌های عمومی منتشر می‌شوند. با این حال، اهمیت آن‌ها بسیار فراتر از یک ابزار مالی داخلی است؛ زیرا این بازار به تدریج به امن‌ترین و بزرگ‌ترین بازار بدهی جهان تبدیل شده است.

بانک‌های مرکزی، صندوق‌های ثروت ملی و نهادهای مالی بین‌المللی بخش بزرگی از ذخایر ارزی خود را در قالب این اوراق نگهداری می‌کنند. دلیل این امر ترکیبی از چند عامل است: امنیت بسیار بالا، نقدشوندگی گسترده و حجم عظیم بازار. در عمل هیچ بازار مالی دیگری در جهان ظرفیت جذب هزاران میلیارد دلار سرمایه را با چنین سطحی از ثبات ندارد.

کشورهای صادرکننده نفت نیز بخش قابل توجهی از درآمدهای دلاری خود را در همین بازار سرمایه‌گذاری می‌کنند. این سرمایه‌گذاری نه تنها برای حفظ ارزش ذخایر ارزی آن‌ها اهمیت دارد، بلکه به ایالات متحده امکان می‌دهد بدهی‌های خود را با هزینه نسبتاً پایین تأمین مالی کند. به همین دلیل بسیاری از اقتصاددانان بازار اوراق خزانه آمریکا را ستون فقرات نظام مالی جهانی می‌دانند. تا زمانی که این بازار از نظر عمق، امنیت و نقدشوندگی بی‌رقیب باقی بماند، جایگاه دلار در اقتصاد جهانی نیز به احتمال زیاد حفظ خواهد شد.

تحلیل خبری

نتیجه نهایی مذاکرات مواجه است. در صورت دستیابی به توافق پایدار، احتمال بازگشت تدریجی بخشی از ظرفیت‌های صادراتی ایران به بازار جهانی وجود دارد که می‌تواند فشار نزولی بیشتری بر قیمت‌ها وارد کند.

در مقابل، شکست مذاکرات یا بازگشت تنش‌ها می‌تواند دوباره ریسک اختلال در تنگه هرمز را احیا کرده و قیمت‌ها را به سرعت به سطوح بالاتر بازگرداند. از این رو، بازار نفت در کوتاه‌مدت بیش از هر زمان دیگری به تحولات دیپلماتیک و امنیتی منطقه وابسته خواهد بود.

دریایی نفت خام و بخش مهمی از صادرات LNG منطقه است. در هفته‌های اخیر، احتمال اختلال در این مسیر راهبردی، بازار را با سناریوی شوک عرضه مواجه کرده بود. اعلام امکان تردد امن - حتی به صورت محدود و موقت - سیگنال مهمی برای معامله‌گران و شرکت‌های حمل‌ونقل انرژی محسوب می‌شود و به کاهش نگرانی درباره اختلال فوری در عرضه کمک کرده است.

با این حال، واکنش نزولی قیمت نفت لزوماً به معنای پایان کامل ریسک نیست. آتش‌بس دو هفته‌ای در واقع یک «پنجره مذاکراتی» محسوب می‌شود و بازار همچنان با عدم قطعیت بالا درباره

اعلام آتش‌بس موقت میان ایران و ایالات متحده، همراه با تعهد تهران به گشایش موقت و مدیریت‌شده تنگه هرمز، بلافاصله اثر خود را بر بازارهای جهانی انرژی نشان داد و موجب افت قیمت نفت تا محدوده ۹۵ دلار شد. این واکنش سریع بازار نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از ریسک ژئوپلیتیکی اخیر در قیمت‌های پیشین نفت لحاظ شده بود و هر نشانه‌ای از کاهش تنش می‌تواند به سرعت این «پرمیوم ریسک» را تخلیه کند.

تنگه هرمز به عنوان یکی از حیاتی‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان، محل عبور حدود یک‌پنجم تجارت

آتش بس موقت و بازتنظیم انتظارات بازار نفت